

منزلگاه های تحولات انقلابی با چه استراتژی و تاکتیکی طی می شوند؟

ایرج اسکندری

(۴)

هدف های استراتژیک - استراتژی و تاکتیک و پیوند ارگانیک میان آنها

نخستین نکته ای را که باید برای درک صحیح خط مشی سیاسی حزب توده ایران در نظر داشت، تفاوتی است که بین هدف های استراتژیک و استراتژی (یا نقشه استراتژیک) وجود دارد و نیز از سوی دیگر باید فرق میان هدف ها تاکتیکی و تاکتیک (یا نقشه تاکتیکی) را مورد توجه قرار داد.

هدف های استراتژیک عبارت از آن رشته خواست هائی هستند که جهت حرکت انقلابی را در تمام طول یک مرحله تاریخی، از ابتدا تا انجام آن، تعیین می کنند. در صورتیکه استراتژی یا نقشه استراتژیک عبارت از آن تدابیری است که حزب طبقه کارگر برای کامیاب ساختن جنبش انقلابی توده ها و پیروز ساختن انقلاب اجتماعی به منظور تحول بنیادی جامعه در نظر می گیرد.

در حالیکه هدف های استراتژیک از تشخیص مرحله انقلاب کشور و وظایف ویژه آن مرحله ناشی می شوند و از این حیث بر کلیه شرایط عینی جامعه تکیه دارند، نقشه استراتژیک بر کیفیت مبارزه طبقاتی و آرایش نیروهای انقلابی، بویژه در دوره قبل از انقلاب، متکی است. به عبارت دیگر نقشه استراتژیک باید به این سئوالات پاسخ دهد که دشمن عمده طبقاتی که ضربه اصلی باید متوجه آن باشد، کیست؟ یاران اصلی طبقه کارگر برای پیروز ساختن انقلاب کدام طبقات و قشرهای اجتماعی هستند؟ روش حزب نسبت به قشرهای بینابینی، که در عین مخالفت با دشمن عمده دو دل اند و نقش سازشکارانه خطرناکی ایفا می کنند و گاه متمایل به اتحاد مستقیم با دشمن میشوند، چیست؟ در طرح برنامه (بخش سوم) هدف استراتژیک مرحله کنونی انقلاب بشرح زیرین تعریف شده است:

"کشور ما هنوز در مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک است و آنچه اکنون به طور عمده در برابر مردم ایران مطرح است، رهائی مردم ایران از قید سرمایه غارتگر امپریالیستی و عمال آن و نیل به حاکمیت خلق و حقوق و آزادیهای دمکراتیک و اجراء اصلاحات بنیادی دمکراتیک است. به دیگر سخن شرط لازم تحقیق انقلاب ایران در مرحله کنونی یعنی مرحله ملی و دمکراتیک عبارتست از پایان دادن به حاکمیت سرمایه داران و زمینداران بزرگ و انتقال قدرت حاکمه از دست طبقات و قشرهای ارتجاعی به دست طبقات و قشرهای ملی و دمکراتیک یعنی کارگران، دهقانان، زحمتکشان شهری که قشر مهمی از روشنفکران و کارمندان را در بر می گیرد، خرده بورژوازی و قشرهای مترقی و ملی بورژوازی و محتوی آن عبارتست از کوتاه ساختن دست انحصارهای امپریالیستی از منابع طبیعی و اقتصادی کشور، تامین استقلال کامل اقتصادی و سیاسی ایران، برچیدن بقایای نظامات ماقبل سرمایه داری، دمکراتیک کردن حیات سیاسی و اقتصادی کشور، یعنی استقرار حکومت انقلابی و دمکراتیک."

این تعریف بخوبی نشان میدهد که دشمن عمده طبقاتی در این مرحله عبارت از انحصارهای غارتگر امپریالیستی و حکومت هوادار و متحد آن، یعنی حکومت سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم و زمینداران بزرگ است. و هدف انقلاب سرنگون ساختن حاکمیت قشر

سرمایه داری بزرگ وابسته به امپریالیسم و زمینداران بزرگ است، نه تمام طبقه سرمایه دار (بورژوازی) و زمینداران.

به همین سبب در حالیکه دهقانان متحد اصلی طبقه کارگر و رکن اساسی جبهه واحد نیروهای انقلاب را تشکیل میدهند، خرده بورژوازی، و همچنین قشرهای مترقی و ملی بورژوازی نیز، پس از زحمتکشان شهری در مدار یاران و متحدین خلق در این مرحله از انقلاب اجتماعی به شمار رفته اند.

تحلیلی که در بخش دوم طرح برنامه (قسمت مربوط به آرایش طبقاتی جامعه)، در مورد دودلی عدم قاطعیت و خصلت سازشکارانه قشرهای مختلف بورژوازی ایران، بعمل آمده نشان میدهد که بورژوازی ملی ایران، با وجود اینکه در نقشه استراتژیک حزب به مثابه متحد بالقوه در انقلاب ملی دمکراتیک تلقی شده، عاملی است ناپیگیر و لذا در صورتیکه نظر به خصلت دوگانه خویش نخواهد درکنار نیروهای دیگر انقلابی فعالانه شرکت نماید، نیروهای انقلابی باید حداقل با اقدامات خود از پیوستن وی به جبهه ضد انقلاب جلوگیری بعمل آورند یا به عبارت دیگر بی طرفی این قشر را در امر انقلاب تامین نمایند.

بنابراین، نقشه استراتژیک این مرحله انقلاب عبارتست از منفرد ساختن حکومت مطلقه سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و زمینداران بزرگ و درهم شکستن مقاومت حکومت آنان با تکیه به قدرت جبهه واحد کلیه نیروهای ملی و دمکراتیک، و خنثی ساختن اثر زیان آور خصلت سازش کارانه و ناپیگیر بورژوازی ملی.

هدفهای تاکتیکی شامل گروهی از خواست هاست که جهت عمده و وظایف مبرم و فوری مبارزه سیاسی حزب طبقه کارگر را در دوره مشخصی از مرحله انقلاب تعیین می کنند و به منظور راهگشائی و تسهیل پیشرفت در تدابیر استراتژیک مورد استفاده قرار می گیرند. چنانکه در مقدمه بخش چهارم طرح برنامه ذکر شده است.

"مبارزه در راه شعارها و هدف های مبرم در عین حال وسائلی است برای ایجاد هر چه بیشتر زمینه اجتماعی به منظور تحقق هدف اصلی مبارزه مردم، یعنی انقلاب ملی و دمکراتیک که خود محمل های ضرور سیر جامعه به طرف سوسیالیسم را ایجاد می کنند. تنها در این پیوند دیالکتیک بین هدفهای دور و نزدیک مرحله کنونی انقلاب ایران است که مبارزه در راه خواست های مبرم محتوی واقعی و انقلابی کسب میکند."

بنابراین روشن است که نقشه تاکتیکی عبارت از آن سلسله تعهدات و شیوه های عملی است که در دوره مشخص در راه تحقق خواست های مبرم از طرف حزب به کار میرود.

محتوی اساسی تاکتیک عبارتست از استفاده هر چه بیشتر از شرایط و امکانات موجود به منظور بسیج، تجمع و اتحاد نیروهای انقلابی، طی مبارزات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک، تضعیف هر چه بیشتر مواضع امپریالیسم و ارتجاعی ترین محافل هیئت حاکمه، عقب نشاندن امپریالیسم و ارتجاع در این یا آن موضع مشخص و آماده ساختن توده های وسیع مردم برای پیکار قطعی انقلابی و تحقق انقلاب اجتماعی.

بدیهی است از آنجا که هدف ها و نقشه تاکتیکی تابع هدف ها و نقشه استراتژیک تمام مرحله انقلاب هستند، علیرغم تفاوت در آماج ها و اختلاف درجه تغییر پذیری آنها نسبت به شرایط مبارزه، ناگزیر از برخی جهات دارای وجوه مشابهتی هستند و همین امر موجب آن می شود که گاه تفاوت های اساسی آنها در پرده بماند و چنین جلوه کند که گویا با ساخته ای مصنوعی سروکار است و لذا لزوم تعیین وظایف مبرم، ضرورت طرح نقشه تاکتیکی و شیوه عمل مورد تردید یا انکار قرار گیرد. بنابراین دومین نکته مهم در خط مشی حزب درک این مشابهت و این وجوه افتراق میان استراتژی و تاکتیک حزب و پیوند ارگانیک بین آنهاست.

بدیهی است به حکم آنکه تاکتیک راهگشای استراتژی است و استراتژی نیز به نوبه خود به منظور پیروزی انقلاب اجتماعی و تحقق یافتن خواست های تحول بنیادی جامعه در مرحله

مشخص انقلاب تنظیم یافته است، ناگزیر وظایف مبرم تاکتیکی نمی توانند، نه از جهت خط سیر خود با استراتژی و نه از لحاظ ماهیت با هدف های استراتژیک مابینت داشته باشند. در واقع هنگامیکه نقشه استراتژیک (یا استراتژی) مرحله انقلاب عبارتست از تشکیل جبهه واحد کلیه نیروهای ملی دمکراتیک به منظور منفرد ساختن حکومت مطلقه و در هم شکستن مقاومت آن بوسیله قیام انقلابی توده های مردم، وظایف مبرم تاکتیکی نمی تواند غیر از تلاش در راه تجمع نیروهای خلق و متحد ساختن آنها در پیرامون شعارهای مشخص بسیج کننده و متحد سازنده برای مبارزه مشترک علیه مواضع دشمنان انقلاب چیز دیگری باشد. و چون از سوی دیگر هدف های عمده استراتژیک در این مرحله انقلاب عبارت از کوتاه ساختن دست انحصارهای امپریالیستی از منابع طبیعی و اقتصادی کشور، رهائی مردم از قید سرمایه غارتگر امپریالیستی و عمال آن و اجراء تحول بنیادی دمکراتیک در حیات جامعه است، ناگزیر شعارهای عمده تاکتیکی نیز باید آن وظایف مشخص و مبرمی را در بر گیرند که توده های مردم را برای مبارزه علیه مواضع امپریالیستی در کشور و علیه مظاهر سیاست ضد دمکراتیک رژیم استبدادی و حکومت ترور و اختناق، مجتمع و متحد میسازند. ولی این عدم تباین بین هدف های استراتژیک و هدف های تاکتیکی از یکسو و میان نقشه استراتژیک و نقشه تاکتیکی از سوی دیگر، بهیچوجه به معنای یکسانی آنها نیست، همچنانکه منزلگاه های مختلفه یک راه در عین وجود برخی مشابهت ها، با نقطه ای که هدف مسافرت است، یکسان نیستند، ولی نیل بهر یک از آنها رهنورد را به شهر مقصود نزدیک میکند، در صورتیکه منزلگاههای واقع در خلاف جهت یا در کنار جاده اصلی او را از نقطه هدف دورتر قرار میدهند و در صورت ادامه آن بیراهه وی را گرفتار همان ماجرابی می کنند که برای اعرابی رفت و او را بجای کعبه بسوی ترکستان کشید.

راه توده ۱۵۵ ۲۰۰۷، ۱۱، ۰۵